

# APAGA

Quarterly

# آبَاگَا

فصلنامه

فصلنامه فرهنگی – اجتماعی مطالعات شرق شناسی ، ایرانشناسی و ارمنی شناسی  
An International Journal of Oriental Studies



Իրանահայ զերդաստան  
An Armenian-Iranian family

خانواده ارمنی ایران

شماره ۷۱ پاییز (آذر) ۱۳۹۶

No. 71, December 2017

# آپاگا فصلنامه بین المللی ایرانشناسی و ارمنی شناسی

شماره ۷۱ پاییز ۱۳۹۶

صاحب امتیاز و مدیر مسئول

ادیک باغداساریان

صندوق پستی شماره ۹۴۸۸-۱۵۸۷۵

تهران - ایران

نشانی اینترنت [www.ApagaOnline.com](http://www.ApagaOnline.com) و [www.apagamonthly.4t.com](http://www.apagamonthly.4t.com)

[apaga98@hotmail.com](mailto:apaga98@hotmail.com)

پست الکترونیکی

ISSN 1682-5438

---

## فهرست

فارسی      اوضاع ارمنیان ایران در اواخر سده ۱۸ و در دوران

حکومت قاجار

ارمنی      مساله زانگزور، قراباغ و نخجوان

انگلیسی      حکومت ترور و وحشت - آزار و پیگرد مذهبی

---

مقالات و دیدگاه های مندرج در نشریه لزوماً بیانگر موضع "آپاگا" نیست.

نشریه در حک و اصلاح مقاله ها مجاز است.

مقالات و مطالب رسیده باز گردانده نمی شود.

استفاده از مطالب "آپاگا" با ذکر ماخذ آزاد است.

شمارگان ۱۰۰ بها ۵۰۰ تومان

چاپ احسان-تهران چهارراه ولیعصر پلاک ۱۱۴۸

## وضع ارمنیان ایران در اواخر سده ۱۸ و در دوران حکومت قاجار

ادبک باغداساریان

جنگ قدرت در اواخر سده ۱۸ با پیروزی طایفه قاجار به پایان رسید و آغا محمد خان (۱۷۹۷-۱۷۴۳) فرزند محمد حسن خان بر مدعیان دیگر پیروز شد و حکومت سلسله قاجار را در ایران بر پا ساخته دوران جدیدی از قتل و کشتار و استثمار بر کل جامعه ایران و ارمنیان شوربخت تحمیل کرد.

او در سال ۱۷۸۵ اصفهان، شیراز، استرآباد، گیلان، تهران، قم، کاشان را در اختیار داشت و با سپاهش در نزدیکی فریدن اتراق کرد و دستور داد به هیچیک آسیبی نرسد به این امید که روسای روستاها همراه با هدایای نفیس نزد او خواهند آمد و مراتب اطاعت خود را اعلام می کنند. اما هیچیک از آنها غیر از میرعلی خان که کدخدای روستای توخماخلو بود نزد وی نیامد لذا آغا محمد خان جلاد دستور داد روستاهای ارمنی و گرجی را چپاول کنند و ساکنانشان را به اسارت ببرند. سربازان قاجار به این روستاها حمله کرده زنان و دختران زیبا را با خود بردند و کلیه حیوانات آنان را تصاحب کردند.<sup>۱</sup>

استپانوس تاریخنگار معاصر و شاهد رویدادهای آن زمان وضع اسفناک ارمنیان در روستاهای فریدن را نگاهشته است: «مادران برای دخترانشان اشک می ریختند، پدران برای فرزندان، برادران برای برادرانشان، خواهرانشان، مردان برای همسرانشان و اسیران برای پدران و مادرانشان و خویشان و دوستانشان در سوک بودند و اشک می ریختند این اسارت گیری در ۲۳ ژوئیه ۱۷۸۵ رخ داد».<sup>۲</sup>

سپاه آغا محمد خان هنگام اقامت در حوالی روستای ارمنی نشین سنگباران (در فریدن اصفهان) مردم را چپاول کرد: «دوکیش، یکی پدر بارسغ کشیش روستای خویگان، دیگری پدر موسس از روستای بولوران، مورد شکنجه سخت قرار گرفتند تا اینکه محل اختفای اشیاء قیمتی متبرکه کلیسا را به سربازها نشان دادند... آغا محمد خان ۱۸ روز در آنجا مانده لشکریانش همه خانه های نزدیک روستاهای ارمنی را تخلیه کردند. او از آنجا به بربرود و کراز رفت و در ماه اوت به تهران بازگشت».<sup>۳</sup>

بهار ۱۷۸۶ آغا محمد خان بسوی اصفهان حرکت کرد و برادرش جعفر قلی خان را به عنوان شهردار آنجا منصوب نمود و خود با لشکریانش به روستای ارمنی سنگباران رفت؛ همه روستائیان از

<sup>۱</sup> - هاروتیون ترهوهانیاتس. ج ۱، ص ۳۶۷.

<sup>۲</sup> - همانجا. ص ۳۶۷.

<sup>۳</sup> - همانجا. ص ۳۶۹.

ترس ورود او به کوه و دشت گریختند. سربازان خانه های آنان را چپاول نمودند. آغامحمدخان ۲۵ روز در فریدن ماند آنگاه از طریق خوانسار راهی تهران شد.<sup>۴</sup>

جعفر قلی خان شهردار اصفهان نیز در اثر غیبت از رهبر کلیسای ارمنی جلفا و کشیش میناس مبنی بر مال خود کردن کمکهای مالی ارمنیان هندوستان برای اسرای ارمنی، آنها را مورد زجر و شکنجه قرار داد و ۱۵۰۰۰ تومان طلب کرد اما آن دو تنها توانستند ۶۰۰ تومان به او بدهند. وی بخاطر در خواستهای مکرر اهالی ارمنی جلفا مجبور شد آنان را رها سازد.<sup>۵</sup>

در سال ۱۷۸۲ نیز آغامحمد خان با اقامت یک ماهه خود در اصفهان و گندمان (چهارمحال) مصائب جدیدی به ارمنیان تحمیل کرد.<sup>۶</sup>

آزار و اذیت مردم از حمله ارمنیان شوربخت توسط حاکم بیمار روانی یعنی آغامحمدخان قاجار حد و حصری نداشت. تا جایی که اسقف ها کوپ (۱۷۹۱-۱۷۸۸) رهبر کلیسای ارمنیان جلفا، وانک جلفا را بی سرپرست گذاشته خود از طریق بصره در سال ۱۷۹۳ وارد مدرس هندوستان شد. اهالی ارمنی مدرس از او علت گریزش را می پرسند و او انگیزه های زیر را بیان می کند:

۱- رهایی از ظلم و ستم حاکمان جبار و فشار آنها برای مهاجرت ارمنیان به هندوستان.

۲- بدهی های سرسام آور.

۳- انتظار برای استقرار آرامش و سپس بازگشت به مقر رهبری.<sup>۷</sup>

در اوایل سال ۱۷۹۵ خبر لشکرکشی آغامحمد خان به قفقاز باعث گریز بسیاری از ساکنان ارمنی و مسلمان به گرجستان می شود. در بهار همین سال آغا محمد خان با لشکر ۶۰ هزار نفری به بهانه تنبیه پادشاه متمرد گرجستان و برای تصرف قفقاز و داغستان به آن سامان حمله کرد. اما با مقاومت شدید در شوشی قراباغ روبرو شد و نتوانست آنجا را تصرف کند و بناچار مردم را چپاول کرده به سوی تفلیس حرکت کرد. در سپتامبر ۱۷۹۵ لشکریان آغامحمدخان به تفلیس نزدیک شدند و سپاه کوچک گرجستان را در هم کوبیدند و شهر را به تصرف خود در آوردند. آنان تفلیس را ویران کردند، عمارات بسیاری را به آتش کشیدند و ۸ روز تمام ساکنان شهر را که اکثراً ارمنی بودند چپاول کردند. ثروت پادشاه گرجستان را تاراج کردند و بیش از ۲۲ هزار نفر را به اسارت گرفته راهی ایران کردند. سایات نوا شاعر نامدار ارمنی مشرق زمین در جریان این لشکرکشی کشته شد.

<sup>۴</sup> - همانجا، ص ۳۷۱.

<sup>۵</sup> - همانجا، ص ۳۷۳.

<sup>۶</sup> - همانجا، ص ۳۷۴.

<sup>۷</sup> - همانجا، ص ۴۰۸.

آغا محمد خان هنگام بازگشت از تفلیس در سال ۱۷۹۶ در دشت مغان تاجگذاری کرد. سیاست آغا محمدخان قتل و غارت کل کشور بود و در چنین شرایطی سخن از امنیت و رونق اقتصادی و فرهنگی عبث و بیهوده است.

آغا محمدخان جانی در زمان حیات خود چون فرزندی نمی توانست داشته باشد برادر زاده اش باباخان (یا فتحعلی) را جانشین خود تعیین کرد که حکمران فارس بود. پس از قتل آغا محمدخان در ۱۴ ماه مه ۱۷۹۷ در قلعه شوشی (هنگام خواب در زیر چادر) بدست نوکرانش<sup>۸</sup>، باباخان با نام فتحعلی شاه (۱۸۳۴-۱۷۹۷) در سن ۲۵ سالگی جانشین وی گردید و در ۱۷ ژوئن ۱۷۹۷ تاجگذاری کرد.

نویسندگان سده ۱۹ سه ویژگی برای فتحعلیشاه تشخیص داده اند. (۱) ریش بسیار بلند، (۲) بدن ظریف و نحیف، (۳) شهوترانی افراطی. با همین ویژگی ها آینده اوضاع ملت و مملکت در زمان حکومت او کاملاً قابل تجسم است. او حدود دو هزار اولاد داشت ۵۷ پسر، ۴۶ دختر، ۲۹۶ نوه پسر، ۲۹۲ نوه دختر و تعداد بسیار زیادی نبره. قصر شاه دارای ۱۰۰۰ زن و کنیز بود که ۱۵۸ نفر آن همسران شاه بودند که برای او فرزندی زاده بودند. زنان فتحعلیشاه نفوذ زیادی در امور سیاسی کشور داشتند. برای نمونه گلبدن باجی یکی از همسران او نه تنها حرمسرا را اداره می کرد که خزانه دار حکومت نیز بود و لقب «صندوقدار» داشت<sup>۹</sup>.

در دوران حکومت فتحعلیشاه، ایران تبدیل به مرکز سیاست های پیچیده بین المللی در خاورمیانه شد و مسایل و مشکلات سیاسی، اقتصادی و فرهنگی جدیدی بر کشور تحمیل گردید. در سال ۱۷۹۸ جنگ های جدیدی آغاز شد. در اواسط ۱۷۹۹ خان های ایروان و خوی با نیروی های دولت مرکزی به فرماندهی عباس میرزای ولیعهد درگیر و متحمل شکست می شوند. از سویی روسها سعی می کردند شاه قاجار را از دست درازی به قفقاز بر حذر دارند اما وی کماکان حملاتش را ادامه می داد. در سال ۱۸۰۰ لشکر قاجار به فرماندهی عباس میرزا و سلیمان سردار، از تبریز به سوی ایروان حرکت کرده بزودی وارد دشت آرات می شود و در ساحل رود ارس اتراق می کند. آنها از فرماندهی گرجستان و روسها در خواست کمک می کنند و آنها هم قول همیاری می دهند لذا از دیگر سو پاول اول تزار روسیه سپاهی به گرجستان می فرستد و عباس میرزا را از حمله به گرجستان برحذر می دارد. خان ایروان می پذیرد تا غنیمت جنگی بپردازد لذا عباس میرزا به محاصره ایروان پایان داده پس از ۴۰ روز توقف در دشت آرات با لشکریانش منطقه را ترک می کند.

به فرمان تزار آلکساندر اول در ۱۲ سپتامبر ۱۸۰۱ پادشاهی گرجستان منقرض شد (تزار پاول در ۱۱ مارس ۱۸۰۱ کشته شده بود) و گرجستان به روسیه ضمیمه شد. با این کار روند پیوستن کل قفقاز به روسیه آغاز گردید.

<sup>۸</sup> - و. بایوردیان. تاریخ ایران. ص ۴۰۶.

<sup>۹</sup> - و. بایوردیان. همانجا. ص ۴۰۷.

در اوایل سده ۱۹ ارمنستان و بخش چشمگیری از جمهوری ساختگی آذربایجان امروزی و گرجستان تحت حاکمیت ایران و ترکیه عثمانی قرار داشت. ارمنستان شرقی که جزو ایران بود و سایر نواحی قفقاز به چندین حکومت فئودالی نیمه مستقل تقسیم شده بود که دائماً در جنگ، با یکدیگر بودند. این واحد‌های اداری عبارت بودند از:

۱- پادشاهی متحد کارتلی و کاخت (گرجستان)

۲- پادشاهی ایمرتی

۳- حکومت گریا

۴- حکومت مگرلیا

۵- حکومت آبخازیا

۶- حکومت آجاریا

۷- پاشانشین آخالسختا

۸- خان نشین ایروان

۹- خان نشین قراباغ

۱۰- خان نشین نخجوان

۱۱- خان نشین گنجه

۱۲- خان نشین قوبا (یا قُبه)

۱۳- خان نشین شکلی

۱۴- خان نشین شیروان

۱۵- خان نشین باکو

۱۶- خان نشین تالش

قسمت مهم ارمنستان شرقی شامل ایروان، نخجوان و قراباغ بود و مناطق شمالی ارمنستان، لوری، پامباک، بورچالو و شامشادین جزو پادشاهی گرجستان شرقی شده بود که پس از الحاق گرجستان به روسیه این مناطق نیز به روسیه منضم گردید. گرجستان غربی و آخالسختا تحت یوغ ترکیه عثمانی قرار داشته و سایر خان نشین‌ها تحت حاکمیت ایرن بودند.

در سال ۱۸۰۳ ناحیه مگرلیا در ۱۸۰۴ ایمرتیا و گوریا نیز ضمیمه روسیه شدند و ارمنیان

ساکن این مناطق زیر حاکمیت روسیه در آمدند.

روسیه تزاری تحت نام آزاد کننده و نجات دهنده در عمل تلاش می کرد مرزهای قلمرو خود را گسترش دهد و قفقاز را به مستعمره خود تبدیل نماید. از دیگر سو ایران نیز بتدریج در غرقاب استعماری انگلیس و فرانسه فرو می رفت ولی مدعی حاکمیت بر این نواحی بود و تلاش می کرد روسها را از آن مناطق بیرون کند. بدین سان مبارزه شدیدی آغاز شده روابط ایران و روسیه سخت رو به وخامت گروید و جنگ ایران و روسیه اجتناب ناپذیر و در نهایت آغاز گردید. بعد از ناکامی های سپاه ایران در ۱۸۱۰ انگلیس کمکه‌های نظامی خود به ایران را افزایش می دهد و ۱۲،۰۰۰ تفنگ و ۲۲ اراده توپ و سایر امکانات نظامی در اختیار فتحعلیشاه قرار می دهد. افسران انگلیسی به آموزش ارتش ایران

می پردازند. لیکن با این حال در ماه اکتبر ۱۸۱۲ ارتش ۳۰ هزار نفری عباس میرزا متحمل شکست می شود (در نزدیکی اصلاندوز). مذاکرات صلح در سپتامبر ۱۸۱۳ آغاز شد و در ۲۴-۱۲ اکتبر در گلستان پیمان صلح امضا شد و جنگ ۱۸۱۳-۱۸۰۴ موقتاً به پایان رسید. بر اساس این قرار داد داغستان، گرجستان، گنجه، قراباغ-شکی، شیروان، دربند، قُبّه، بانکو، تالش، لوری پامباک، شامشادین، زانگور و شورابگال به روسیه منظم گردیدند. با این حال حکومت ایران در پی فرصتی مناسب جهت آغاز جنگ و بازپس گیری مناطق از دست رفته بود.

در اواخر سال ۱۸۲۵ لشکر ایران تدریجاً به مناطق اشغالی یاد شده نزدیک شد و در سالهای ۱۸۲۶-۱۸۲۸ جنگ دوم ایران و روسیه روی داد که باز هم به شکست فجع لشکر قاجار انجامید. سپاه روسیه حتی از مرز رود ارس گذشت و تبریز، خوی، مرند، سلماس و سایر شهرها را اشغال نمود. برای حکومت ناشایست قاجار چاره دیگری جز قبول پیمان صلح در ترکمانچای باقی نماند. مذاکرات صلح ۱۰ فوریه ۱۸۲۸ به پایان رسید. طبق این پیمان قرار داد گلستان به قوت خود باقی ماند و ایران و روسیه مرز جدید میان خود تعیین کردید که رود ارس بود. کلیه مناطق شمال رود ارس به روسیه واگذار گردید، (از جمله ایروان، نخجوان) و ایران موظف شد ۱۰ کرور تومان (۲۰ میلیون روبل نقره) غنیمت جنگی به روسیه پرداخت کند.

بر اساس ماده ۱۳ این قرار داد اسرای جنگی و اسرایی که پیشتر به ایران رانده شده بودند از جمله ارمنیان، گرجیان و مسلمانان باید به زادگاه خود در قفقاز باز می گشتند. آنگاه برای مدت یک سال نقل و انتقال آزادانه ساکنان ایران به روسیه و بالعکس پیشبینی می شد. با قرارداد ترکمانچای جنگ های ایران و روسیه پایان رسید.<sup>۱۰</sup>

پس از انعقاد پیمان صلح ترکمانچای هزاران نفر از ارمنیان شمال که از ظلم و ستم خان ها و اوضاع ناامن و فسادهای اقتصادی به تنگ آمده بودند به کمک قوای روسیه و طبق مفاد قرارداد به قفقاز مهاجرت کردند. در سالهای ۱۸۲۹-۱۸۲۸ از ۶۰-۵۵ هزار ارمنی ساکن آذربایجان ۸۲۴۹ خانوار یعنی حدود ۴۵ هزار نفر به ارمنستان شرقی (تحت اشغال روسیه) مهاجرت نمودند. بخش بزرگی از آنان در شهرهای ایروان، نخجوان، اردوباد و نواحی ساردارآباد، آپاران، سورمالو، نخجوان، اردوباد، وایوتس زور و چند صد خانوار هم در قراباغ اسکان گزیدند.<sup>۱۱</sup> قابل ذکر است که ارمنیانی که از مراغه به قراباغ مهاجرت کرده بودند روستای جدیدی بنا کرده و نام «مراغه» به آن دادند که امروز در قلمرو استان

<sup>۱۰</sup> - و. بابوریدیان. تاریخ ایران. ص ۴۲۰.

پروفیسور جان گراگوسیان. «ارمنستان در اسناد دیپلماتیک بین المللی و شوروی ۱۹۲۳-۱۸۲۸».

ایروان: ۱۹۷۲. ص ۷۲-۶۵.

<sup>۱۱</sup> - آگاهی دقیق این مهاجرت در جلد دهم از اثر نگارنده «تاریخ مفصل ارمنیان ایران» ده جلد،

تورونتو: ۲۰۱۲ (۱۳۹۱) ارائه شده است.

مارتاگرد جمهوری آرتساخ واقع است و ساکنان آن در سال ۱۹۹۲ قتل عام شدند و بقایای آنان در حوالی آن «مراغه نو» را بنا نهادند.

مسئول روسیه برای مهاجرت ارمنیان نویسنده نامی گریبایدوف بود که در یورش مردم به سفارت روسیه به قتل رسید.

دلایل تمایل ارمنیان آذربایجان برای مهاجرت رهایی از یوغ خان ها بقرار زیر است:

۱- ستم ها و احجاف ملی- مذهبی، حتی جائلیق کل ارمنیان جهان در اچمیادزین از این امر مستثنی نبود.

۲- رشوه خواری، چپاول و غارت مردم توسط حکومت سردار ایروان و خان های محلی.

۳- مالیات های مضاعف تحت عناوین مختلف از جمله "جزیه" و باج و خراج های گوناگون در نتیجه فشار های مالی شدید.

۴- بی قانونی، پایمال شدن اصول اخلاقی و اجتماعی. این امر برای تمام مردم ایران صادق بود و ارمنیان تحت فشار مضاعف بودند.

۵- ملت ارمنی که سده های پیش استقلال حکومتی خود را از دست داده بود هیچ امید نداشت که در شرایط سخت سیاسی-اجتماعی حکومت خان ها بتواند به رستاخیز ملی برسد. لذا امید خود را به رویدادهای جدید و کمک های روسیه بسته بود که این امر یکصد سال بعد تحقق یافت.

۶- در طی چندین قرن حکام ایران همواره ساکنان ارمنی ارمنستان را مجبور به مهاجرت، زندگی در اسارت و محرومیت از خانه و کاشانه و زادگاه خود کرده بودند و در این بین هزاران نفر پیر و جوان، زن و مرد و کودک جان باختند و ارمنستان را به وضعیت نیمه بیابانی و خالی از سکنه بومی نموده بودند. شهوترانی لشکریان و خان ها و رشوه خواران امنیت زندگی را بویژه از زنان و دختران صلب نموده بود. «دزدیدن دختر ارمنی» تبدیل به یک سنت شده بود.

در مورد دلایل ذکر شده مدارکی را پیشتر ارائه کرده ایم لیکن اسناد و مدارک، روایات و اشارات انکارناپذیر بیشماری امروزه موجود است که نمونه های بیشتری از آنها را در تاریخ مفصل ده جلد یاد شده آورده ایم.<sup>۱۲</sup>

\* \* \*

قحطی در سالهای ۱۸۱۷-۱۸۱۵ و ۱۸۳۴-۱۸۰۴ جان بسیاری از افراد بویژه اهالی جلفای نو را گرفت.<sup>۱۳</sup> بسیاری از افراد برای نجات خود به هندوستان مهاجرت کردند. بخشی از ارمنیان جلفا نیز پس از انعقاد قرار داد ترکمانچای به ارمنستان شرقی ملحق شده به روسیه رفتند.

<sup>۱۲</sup> - ادیک باغذاساریان(ا. گرمایک). تاریخ مفصل ارمنیان ایران(ده جلد). تورونتو: ۲۰۱۲

(۱۳۹۱).

<sup>۱۳</sup> - ه. ترهوهانیانتس. ج. ۱. ص ۴۲۴.



شایان یادآوری است که در دوران سلطنت فتحعلیشاه (۱۸۳۴-۱۷۹۷) جلفای نو از آرامش نسبی برخوردار بود<sup>۱۴</sup>. شاه تلاش می کرد برای ارمنیان بعنوان عناصر مفید برای مملکت شرایط زیستی مناسبی فراهم آورده لذا شروع به سخت گیری در قبال عناصر خودسر در حکومت نمود تا از حقوق ارمنیان تابع حکومتش دفاع کرده باشد. اینگونه رفتار ملایم و ملاطفت آمیز شاهان ایران از چشم داشت آنان از امکانات اقتصادی و تجاری ارمنیان جلفا سرچشمه می گرفت.

شاه در سال ۱۸۲۵ شخصاً از اصفهان دیدن کرد تا عناصر سرکش محلی را که باعث ناراحتی اهالی جلفای نو شده بودند سرکوب کند. «شاه رفتار نیکویی با ارمنیان داشت و در سال ۱۸۳۲ فرمان داد سالانه ۲۶۲ تومان هدیه به وانک آمانپرکیچ پرداخت شود و بدین سان کلیه اراضی موقوفه وانک از پرداخت مالیات معاف شدند<sup>۱۵</sup>. چنین به نظر می رسد که جمعیت کاسته شده و قلیل ارمنی جلفا امکان کشیدن نفس راحت را بدست آورده بود، لیکن پس از اینکه شاه اصفهان را ترک کرد همه چیز به حالت اول بازگشت.

در اثر وخامت اوضاع اقتصادی و قحطی رهبر کلیسای ارمنی جلفا در سال ۱۸۱۵ نامه ای به هندوستان فرستاده از تنگدستی و کمبود نان و گرانی آذوقه شکایت کرد.

از دیگر سو برخی عناصر شرور مشکلاتی برای روستاهای ارمنی پدید می آوردند. در سالهای ۱۸۲۴-۱۸۲۵ و سکان آستوازدریان کلانتر (شهردار) جلفا گردید و اوضاع جلفا را تا حدودی بهبود بخشید. او دستور داد محله های جلفا را دارای حصار کرده دروازه هایی نصب کنند تا از ورود اشراق به محله های ارمنی جلوگیری شود<sup>۱۶</sup>.

در اثر قحطی سال های ۱۸۳۴-۱۸۳۱ در اصفهان قیمت آرد بسیار گران می شود و برخی از مردم اجباراً «علف می خورند، گوشت حیوانات وحشی را می خوردند و گروهی نیز از گرسنگی تلف می شدند، اگر چه هوانس رهبر کلیسا از تنگدستان و نیازمندان حمایت می کرد و آنها را تغذیه می نمود، اما به علت کثرت آنها کمک های او کافی نبود»<sup>۱۷</sup>.

در همین سالها خان های نواحی شمال شرق در خراسان و افغانستان دست به شورش نهادند و عباس میرزا برای سرکوب آنها به آن دیار رفت لیکن ۲۳ اکتبر ۱۸۳۳ در مشهد درگذشت. فتحعلیشاه نیز در ۱۸۳۴ مرد و محمد میرزا فرزند عباس میرزا با نام محمد شاه قاجار جانشین فتحعلیشاه شد (۱۸۴۸-۱۸۳۵).

در سال ۱۸۴۰ شخصی بنام منوچهر خان ارمنی که مسلمان شده بود استاندار اصفهان شد و توانست امنیت را در آن استان برقرار کند لیکن پس از مرگ او در ۱۸۴۷ بعلت ضعف حکومت مرکزی

<sup>۱۴</sup> - همانجا. ص ۴۲۳.

<sup>۱۵</sup> - همانجا.

<sup>۱۶</sup> - همانجا. ص ۴۲۶.

<sup>۱۷</sup> - همانجا. ص ۴۲۷.

جلفای نو بار دیگر دستخوش هرج و مرج و ناآرامی گردید. محمد شاه نیز ٢٤ اوت ١٨٤٨ درگذشت و ولیعهد ناصرالدین شاه ١١ اکتبر ١٨٤٨ طی مراسم باشکوهی تاجگذاری کرد و یکی از دوران اسفناک تاریخ ایران آغاز گردید. او سه بار در سالهای ١٨٧٣، ١٨٧٨ و ١٨٨٩ به اروپا و روسیه سفر کرد.

در اول سده ١٩ ایران یک کشور فئودالی قرون وسطایی بود. عدم وجود امنیت جانی و مالی ارمنیان را ناگزیر از مهاجرت به هندوستان، روسیه و سایر کشور نمود.<sup>١٨</sup> مهاجران عمدتاً قشر مرفه جامعه بودند و تنها روستائیان و کارگران و پیشه وران در ایران باقی می ماندند یعنی آنان که امکان مهاجرت نداشتند. تعدادی از روستاهای ارمنی نشین در اثر حملات و اذیت های طوایف کوه نشین درخواستی مورخ ١٩ مارس ١٨٥٠ به جانشین نرسس آشتاراکتسی نوشتند و در خواست کمک برای مهاجرت به ارمنستان تحت اشغال روسیه کردند.<sup>١٩</sup>

در پی کاهش جمعیت ارمنیان ایران در سده ١٩، بسیاری از مناطق پرجمعیت ارمنی نشین خالی از سکنه شده بود. بر اساس داده های آماری سال ١٨٥١<sup>٢٠</sup> در ٥ شهر و ٧٨ روستای جنوب ایران جمعاً ١٩ هزار ارمنی می زیستند که در مقایسه ٥٠٠٠٠٠ سال ١٦٠٤ به ٤٪ کاهش یافته بود. شاه عباس این تعداد از مردم را از زادگاهش به بیابانهای مرکز ایران کوچ داد، خطه ارمنستان در برابر تهاجمهای ترکان خونریز عثمانی تضعیف گردید. مهاجران نیز تحت شرایط نامناسب اجتماعی و اقتصادی در سراسر جهان گریزان شدند. بر پایه این آمار گستردگی جمعیت ارمنی به شرح زیر بود:

مکان	خانوار	تعداد <sup>٢١</sup>
جلفای نو	٣٧٥	٢٥٥٠
تهران	٧٥	٣١٠
ونک و روستاهای نزدیک	٤٣	٢١١
شیراز	٧	٣٤
بوشهر	٩	٦٥
همدان	٤٠	٢٣٤
روستاهای نزدیک همدان	٧٦	٣١٦

<sup>١٨</sup> - خچاتور جوغایتسی. تاریخ پارسیان. واغارشاباد: ١٩٠٥. ص ٢٨٩.

<sup>١٩</sup> - ٥. کاربتسی. سفرنامه. ماتناداران، شماره ٢٨٢١، ٣٢ الف.

تاریخ ارمنستان، ج ٥، ص ٥١٥.

<sup>٢٠</sup> - ماهنامه «کبوتر ماسیس». ١٨٥٨-١٨٥٥ پاریس (ارمنی و فرانسه). ١٨٦٥-١٨٦٠ تئودوسیا

(ارمنی و فرانسه).

<sup>٢١</sup> - تاریخ ارمنستان. جلد ٥، ص ٥١٦.

۲۰۶۷	۳۰۶	چهارمحال
۶۵۴۳	۱۰۱۲	۲۵ روستای فریدن
۳۰۰۵	۴۴۶	۱۶ روستای بربرود
۷۵۱	۱۲۴	۵ روستای کمره
۱۱۱۲	۱۸۳	۸ روستای چاکلا (گیاپلا)
۹۸۱	۱۵۱	۷ روستای کزاز
۵۸۱	۱۰۱	۴ روستای ملایر
۷۷۳	۱۰۲	۴ روستای قره داغ
۱۹۵۳۳	۳۰۵۰	جمع کل

هاروتیون ترهوهانیانس اطلاعات زیر را در باره جمعیت ارمنی ایران در سال ۱۸۵۶ ارائه

می دهد.<sup>۲۲</sup>

مکان	خانوار	مرد	زن	کل
فریدن (۲۱ روستا)	۱۰۱۴	۳۵۵۳	۲۹۶۴	۶۵۱۷
بربرود (۹ روستا)	۲۶۳	۸۲۹	۶۷۳	۱۵۰۲
کمره (۵ روستا)	۱۲۴	۴۰۲	۳۴۲	۷۴۴
جابلق (۱۵ روستا)	۴۱۳	۱۳۳۶	۱۱۴۴	۲۴۸۰
کزاز (۹ روستا)	۱۸۳	۵۸۱	۵۲۴	۱۱۰۵
ملایر (۳ روستا)	۸۸	۲۷۲	۲۲۹	۵۰۱
قره قان (۴ روستا)	۱۰۲	۳۱۵	۳۰۴	۶۱۹
همدان	۴۰	۱۱۶	۱۱۹	۲۳۵
روستای شاورین (همدان)	۷۶	۱۶۶	۱۵۲	۳۱۸
شهر تهران	-	-	-	-
- محله قزوین	۳۶	۹۲	۸۱	۱۷۳
- شاه عبدالعظیم	۳۹	۷۸	۶۷	۱۴۵
- ده ونک	۳۰	۷۶	۷۳	۱۴۹
شترخوار	۱۳	۳۲	۳۰	۶۲
انزلی	۹	۲۱	۱۶	۳۷
رشت	-	۶۹	۳	۷۲
شیراز (در ابتدا ۵۰۰ خانوار)	۷	۱۵	۲۰	۳۵

<sup>۲۲</sup> - ه. ترهوهانیانس. ج ۲. ص ۳۴۴-۳۲۵.

۶۶	۳۴	۳۲	۹	بوشهر
۱۰۹۹	۴۵۹	۶۴۰	۲۰۳	هندوستان(جلفا)
۱۱۵	۵۶	۵۹	۲۲	جاوله (جلفا)
۱۵۹۷۴	۷۲۹۰	۸۶۸۴	۲۶۷۱	جمع کل

در باره ارمنیان آذربایجان در سالهای ۱۸۳۰-۱۸۲۸ باید گفت که پس از مهاجرت آنان به ارمنستان شرقی کماکان تعداد کثیری در محل زندگی می کردند. در اواسط سده ۱۹ تعداد ارمنیان ساکن تبریز و روستاهای حومه به ۱۵،۰۰۰ تا ۲۰،۰۰۰ نفر می رسید. ارمنیان شمال ایران در تبریز، خوی، ماکو، سلماس، ارومیه، براندوز، سولدوز، میاندوآب، مراغه و قره داغ می زیستند.

بخش بزرگی از جمعیت ارمنی ایران را روستائیان تشکیل می دادند و در نیمه های سده ۱۹ در وضعیت نیمه برده داری بسر می بردند (رژیم ارباب رعیتی) آنها غیر از رانت و مالیاتهای حکومتی، مجبور بودند برای مزارع «اربابان» کار کنند و انواع کارهای مجانی یا بیگاری انجام دهند. برخی از اراضی روستاهای ارمنی جلفای نو که به دربار تعلق داشتند تا سال ۱۸۴۷ رانت محصولات کشاورزی پرداخت می کردند ولی بعدها رانت کشاورزی به رانت پولی تبدیل شد.<sup>۲۳</sup>

ارمنیان ایران غیر از مالیات های دولتی، مجبور بودند به رهبری کلیسای حوزه اسقفی مالیات «روحانی» پرداخت کنند که معمولاً بصورت کالای کشاورزی بود.

برخی مصائب دیگر نیز برای ارمنیان روستایی حوالی اصفهان وجود داشت. و آن حملات و چپاول هایی بود که کوه نشینان لر و بختیاری به روستائیان ارمنی تحمیل می کردند.<sup>۲۴</sup>

وضعیت ارمنیان در زمان جانشین ناصرالدین شاه یعنی مظفرالدین شاه (۱۸۹۶-۱۹۰۷) قاطعانه متحول گردید و رو به بهبود نهاد. تلاشهایی به عمل آمد تا زندگی مادی و معنوی ارمنیان متحول گردد. حکومت شاه برای ترقی اقتصادی و رونق حرفه ها و پیشه ها تعدادی فرمان صادر نمود که بر پایه آن برخی از ممنوعیت ها و محدودیت های موجود برای ارمنیان لغو گردید. اجبار آنان به تغییر مذهب ممنوع اعلام شد، مالیاتهای روستائیان و شهر نشینان ارمنی متعادل و منضبط گردید، اراضی موقوفه کلیسای ارمنی به رسمیت شناخته شد و برخی تغییرات دیگر. سمت های عالی درباری و حکومتی به ارمنیان داده شد.

ناصرالدین شاه در فرمان سال ۱۸۴۵ اظهار داشت که «ارمنیان شهروندان وفادار و خوب ما هستند». در این دوران زندگی فرهنگی در جلفا نیز رونق یافت.

<sup>۲۳</sup> - هاروتیون ترهوهانیانسن. جلد ۱، ص ۳۰۱.

<sup>۲۴</sup> - همانجا. ص ۳۰۲.

در عین حال اسقف تادئوس بکنازاریان (۱۸۶۳-۱۸۱۳) از ناصرالدین شاه درخواست می کند وضعیت ارمنیان ایران و بویژه جلفای اصفهان را بهبود بخشد.

هنگامی که رهبر جدید کلیسا ۳ ژوئن سال ۱۸۵۱ وارد جلفای اصفهان شد: «... اهالی ارمنی شهر و روستاها را در نهایت تنگدستی و نومیدی یافت. کلیسای وانک در زیر یک هزار تومان قرض رنج می برد، فقر و وخامت اوضاع، ارمنیان هندوستان وانک و روستائیان را فراموش کرده بود...»<sup>۲۵</sup>.

اسقف تادئوس در ژانویه ۱۸۵۴ رهسپار تهران شد و به حضور شاه و وزیران رسید و ۸ ماه تمام تلاش نمود و فرمان هایی به نفع قوم خود بدست آورد. اسقف در خواستهای زیر را به حضور شاه ارائه کرد:

الف- کاهش مالیاتها از اهالی جلفا به ۱۵۰ تومان برای مدت سه سال

ب- کاهش مالیاتها برای اهالی روستاهای فریدن به سالی ۳۰۰ تومان

ج- انتصاب میرزا زینالعابدین ملک الکتابی به عنوان شهردار و رئیس شهربانی (داروغه باشی) برای ارمنیان

د- ارمنیان از نظر پرداخت مالیات با مسلمانان برابر باشند

ه- مسافران مسیحی از پرداخت مالیات و عوارض جاده ها معاف شوند<sup>۲۶</sup>.

شاه نیز با این درخواستها موفقیت نمود و ارمنیان را از خدمت نظام معاف کرد و مالیاتها ارمنیان جلفا و فریدن را کاهش داد و امتیازات و حقوق جدیدی اعطاء نمود. با میانجیگری اسقف، شاه لشکری برای تنبیه اشرار بختیاری فرستاد. بدین سان اوضاع اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی ارمنیان بهبود چشمگیری یافت صرف نظر از سیاستهای خارجی ناشایست ناصرالدین شاه و از دست رفتن بخشهایی از مملکت.

در پی بهبود اوضاع ارمنیان ایران، شمار آنها افزایش یافت. برای نمونه جمعیت ۲۵۵۰ نفری جلفای نو در ۱۸۵۱ در سال ۱۸۸۰ به ۴۵۶۷ نفر، ۲۵ روستای فریدن از ۶۵۴۳ به ۱۲۱۲۳ نفر، ۱۶ روستای ارمنی بربرود از ۳۰۰۵ به ۶۱۱۵ نفر رسید<sup>۲۷</sup>.

در دوره های یاد شده اخیر چهره های مشهوری در صحنه سیاسی، نظامی و اقتصادی کشور ظاهر شدند. اگر چه مطابق «شریعت» اسلامی پیروان ادیان دیگر مجاز به کسب مقامات بالای دولتی نبودند (که با برخی استنادها تا سال ۲۰۰۳ رسماً اجرا می شد. اگر چه همواره میان قانون و واقعیت اختلاف دیده می شود). طبیعی است که هر فرد روش فکر و آگاه به حقوق انسانی خود در چنین

<sup>۲۵</sup> - همانجا. ج ۲، ص ۹۴.

<sup>۲۶</sup> - همانجا. ص ۹۶-۹۵.

<sup>۲۷</sup> - تاریخ ارمنستان. جلد ۵، ص ۵۱۸.



			جاوه <sup>۳۰</sup>
۷	۱۹	۲۰	- باتاویه
۴	۶	۱۰	- چریبون، تگال، بانیماس
۲	۱۳	۶	- چپارا
۵	۱۱	۱۲	- سوربائیا
۴	۱۰	۸	- سامارانگ
<u>۲۲</u>	<u>۵۹</u>	<u>۵۶</u>	<b>جمع کل</b>

پس از جلوس ناصرالدین شاه به تخت پادشاهی ایران (۱۸۴۸) میرزاتقی خان فراهانی معروف به امیر کبیر را به سمت صدارت اعظمی ایران منصوب کرد و اوز در طول سالهای ۱۸۵۱-۱۸۴۸ اصلاحات بسیاری در سطح کشور انجام داد، از جمله تجدید سازمان دستگاه حکومتی، محدود کردن خود کامگی های مقامات دولتی و ممنوعیت دخالت روحانیون در امور حکومتی، تقویت اقتصاد کشور، ترفیع توانایی رزمی ارتش، ارتقاء مقام بین المللی کشور، تقویت سطح فرهنگ، الغاء القاب و عناوین، ممنوعیت دخالت زنان دربار در امور کشور، مبارزه با رفیق بازی و جایگزینی ضوابط بجای روابط، تاسیس مدرسه عالی دارالفنون، انتشار روزنامه دولتی «وقایع اتفاقیه»، تاسیس چاپخانه ها، بیمارستان دولتی و غیره. طبیعی بود که اکثریت خاموش خائن و گروه فرصت طلب وطن فروش خائن اقلیت نمی توانست خاموش بنشینید و انواع دسیسه ها را بکار گرفته در نهایت امیر کبیر به دستور شاه در سال ۱۸۵۲ در حمام فین کاشان بقتل رسید. از آن پس کلیه نخست وزیران و صدر اعظم ها نوکران فراماسونری، خدمتگزاران انگلیس و ایالت متحد آمریکا سرکار آمدند و آینده کشور باستانی ایران را به تباهی کشاندند. در چنین شرایط ناملایم که بتدریج کشتی ملت ایران در اقیانوس حوادث غرق شد، ایرانیان ارمنی نمی توانستند از این سرنوشت مستثنی باشند.

ناصرالدین شاه خود قربانی روند خیانت گردید، چند سال پس از الغاء قرار داد تنباکو با انگلیس در ۲۸ دسامبر ۱۸۹۱، در اول ماه مه ۱۸۹۶ در اثر شلیک گلوله های اسلحه میرزا رضا کرمانی شاگرد جلال الدین اسدآبادی افغانی فراماسون بزرگ جهان اسلام، کشته شد. در همین سال مظفرالدین شاه جانشین وی گردید.